
قریش
قرآن مجید
به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر
به زبان های زنده دنیا
آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۰۶. سوره قریش

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

لِإِيلافِ قُرَيْشٍ (۱)

إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَيْتِ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

آشنایی با سوره

۱۰۶- ایلاف [الفت دادن]

نام دیگر سوره «قریش است. در رابطه با سوره قبلی، که دشمنان حبشی مهاجم به کعبه نابود شدند، این کار، بخاطر تجمع خاطر و انس و الفت و ایمنی «قریش در کوچ های تابستانی و زمستانی انجام گرفت و در مقابل، از آنان انتظار است که خدا را پرستش کنند. سوره مکی است و بجهت پیوستگی مطالبش با سوره فیل، بعضی ها این دو را یک سوره حساب کرده اند. ۵ آیه دارد و در سال ۳ بعثت، بعد از سوره «تین نازل شده است.

شان نزول

یک دلی و امنیت در سایه اسلام

شأن نزول آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش

نابودی لشکریان ابرهه، که برای نابودی خانه کعبه و متلاشی کردن این کانون مقدس الهی آمده بودند، زمینه ای فراهم کرد که قبیله قریش به ماندن درمکه دل گرم شوند؛ چون این موضوع، نا امنی را از آنان دور کرد و به تجارت شان رونق بخشید.

این در حقیقت، استجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، بنیان گذار کعبه بود و چون مکه، باغ و زمین کشاورزی نداشت، درآمد آن نیز محدود بود. بیش ترین درآمد قریش از رفت و آمد کاروان های تجاری تأمین می شد. آنان در فصل زمستان به سوی جنوب، یعنی سرزمین یمن که هوای آن نسبتا گرم بود، روی می آوردند و در فصل تابستان به شمال و سرزمین شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت، سفر می کردند. سرزمین «یمن» و «شام»، از کانون های مهم تجارت در آن روزگار بودند و مکه و مدینه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می شد. اگر با لشکرکشی ابرهه و امثال او، این امنیت خدشه دار یاخانه کعبه ویران می شد، دیگر

کسی به این سرزمین توجهی نمی کرد، ولی تقدیر پروردگار چنین بود تا خورشید اسلام از میان این قبیله و از آن سرزمین مقدس طلوع کند و پیامبر به رسالت برگزیده شود. آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش از لطف بی اندازه پروردگار به قریش سخن می گوید:

برای الفت دادن قریش « الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان، [خدا پیلداران را نابود کرد]. « پس باید خداوند این خانه را بپرستند « همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. «. (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۲.

یک دلی و امنیت در سایه اسلام

شأن نزول آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش

نابودی لشکریان ابرهه، که برای نابودی خانه کعبه و متلاشی کردن این کانون مقدس الهی آمده بودند، زمینه ای فراهم کرد که قبیله قریش به ماندن درمکه دل گرم شوند؛ چون این موضوع، نا امنی را از آنان دور کرد و به تجارت شان رونق بخشید. این در حقیقت، استجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، بنیان گذار کعبه بود و چون مکه، باغ و زمین کشاورزی نداشت، درآمد آن نیز محدود بود. بیش ترین درآمد قریش از رفت و آمد کاروان های تجاری تأمین می شد. آنان در فصل زمستان به سوی جنوب، یعنی سرزمین یمن که هوای آن نسبتا گرم بود، روی می آوردند و در فصل تابستان به شمال و سرزمین شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت، سفر می کردند. سرزمین «یمن» و «شام»، از کانون های مهم تجارت در آن روزگار بودند و مکه و مدینه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می شد. اگر با لشکرکشی ابرهه و امثال او، این امنیت خدشه دار یاخانه کعبه ویران

می شد، دیگر کسی به این سرزمین توجهی نمی کرد، ولی تقدیر پروردگار چنین بود تا خورشید اسلام از میان این قبیله و از آن سرزمین مقدس طلوع کند و پیامبر به رسالت برگزیده شود. آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش از لطف بی اندازه پروردگار به قریش سخن می گوید:

برای الفت دادن قریش « الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان، [خدا پیلداران را نابود کرد]. « پس باید خداوند این خانه را بپرستند « همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. «. (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۲.

یک دلی و امنیت در سایه اسلام

شأن نزول آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش

نابودی لشکریان ابرهه، که برای نابودی خانه کعبه و متلاشی کردن این کانون مقدس الهی آمده بودند، زمینه ای فراهم کرد که قبیله قریش به ماندن درمکه دل گرم شوند؛ چون این موضوع، نا امنی را از آنان دور کرد و به تجارت شان رونق بخشید. این در حقیقت، استجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، بنیان گذار کعبه بود و چون مکه، باغ و زمین کشاورزی نداشت، درآمد آن نیز محدود بود. بیش ترین درآمد قریش از رفت و آمد کاروان های تجاری تأمین می شد. آنان در فصل زمستان به سوی جنوب، یعنی سرزمین یمن که هوای آن نسبتا گرم بود، روی می آوردند و در فصل تابستان به شمال و سرزمین شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت، سفر می کردند. سرزمین «یمن» و «شام»، از کانون های مهم تجارت در آن روزگار بودند و مکه و مدینه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می شد. اگر با لشکرکشی ابرهه و امثال او، این امنیت خدشه دار یاخانه

کعبه ویران می شد، دیگر کسی به این سرزمین توجهی نمی کرد، ولی تقدیر پروردگار چنین بود تا خورشید اسلام از میان این قبیله و از آن سرزمین مقدس طلوع کند و پیامبر به رسالت برگزیده شود. آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش از لطف بی اندازه پروردگار به قریش سخن می گوید:

برای الفت دادن قریش «» الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان، [خدا پیلداران را نابود کرد]. «» پس باید خداوند این خانه را بپرستند «» همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. «». (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۲.

یک دلی و امنیت در سایه اسلام

شأن نزول آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش

نابودی لشکریان ابرهه، که برای نابودی خانه کعبه و متلاشی کردن این کانون مقدس الهی آمده بودند، زمینه ای فراهم کرد که قبیله قریش به ماندن درمکه دل گرم شوند؛ چون این موضوع، نا امنی را از آنان دور کرد و به تجارت شان رونق بخشید. این در حقیقت، استجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، بنیان گذار کعبه بود و چون مکه، باغ و زمین کشاورزی نداشت، درآمد آن نیز محدود بود. بیش ترین درآمد قریش از رفت و آمد کاروان های تجاری تأمین می شد. آنان در فصل زمستان به سوی جنوب، یعنی سرزمین یمن که هوای آن نسبتا گرم بود، روی می آوردند و در فصل تابستان به شمال و سرزمین شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت، سفر می کردند. سرزمین «یمن» و «شام»، از کانون های مهم تجارت در آن روزگار بودند و مکه و مدینه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می شد. اگر با لشکرکشی ابرهه و امثال او، این امنیت خدشه

دار یاخانه کعبه ویران می شد، دیگر کسی به این سرزمین توجهی نمی کرد، ولی تقدیر پروردگار چنین بود تا خورشید اسلام از میان این قبیله و از آن سرزمین مقدس طلوع کند و پیامبر به رسالت برگزیده شود. آیه های ۱ تا ۴ سوره قریش از لطف بی اندازه پروردگار به قریش سخن می گوید:

برای الفت دادن قریش «» الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان، [خدا پیلداران را نابود کرد]. «» پس باید خداوند این خانه را بپرستند «» همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. «». (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۲.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِیمِ} نعت تابع

{لِإِیلافِ} (ل) حرف جر / اسم مجرور یا در محل جر {قُرَیْشٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{إِیلافِهِمْ} بدل تابع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {رِحْلَةَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {الشِّتاءِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَالصَّیْفِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{فَلْیَعْبُدُوا} (ف) رابط جواب برای شرط / (ل) امر / فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {رَبَّ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {هذَا} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {الْبَیْتِ} بدل تابع

{الَّذِی} نعت تابع {أَطْعَمَهُمْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِنْ} حرف جر {جُوعٍ}

اسم مجرور یـا در محـل جر {وَآمَنَهُمْ} (و) حرف عطف / فعل ماضـی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقـدیری / (ه) ضـمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِنْ} حرف جر {خَوْفٍ} اسم مجرور یا در محل جر

آوانگاری قرآن

Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi.

۱.Li-eelafi qurayshin

۲.Eelafihim rihlata alshshita-i waalssayfi

۳.FalyaAAbudoo rabba hatha albayti

۴.Allathee atAAamahum min jooAAin waamanahum min khawfin

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

برای الفت دادن قریش، (۱)

الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان، [خدا پیلداران را نابود کرد.] (۲)

پس باید خداوندِ این خانه را بپرستند؛ (۳)

همان [خدایی که در گرسنگی غذایشان داد، و از بیم [دشمن آسوده خاطرشان کرد. (۴)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» [کیفر لشکر فیل سواران] بخاطر این بود که قریش [به این سرزمین مقدس] الفت گیرند [و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود]!

«۲» الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه [و بخاطر این الفت به آن بازگردند]!

«۳» پس [بشکرانه این نعمت بزرگ] باید پروردگار این خانه را عبادت کنند،

«۴» همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

[خدا فیل سواران را هلاک کرد] تا قریش را [با یکدیگر و با مردم و با حرم امن] الفت دهد؛ (۱)

[و نیز] به سفرهای [تجارتی] زمستانی و [سفرهای تجارتی] تابستانی پیوند و انس دهد [تا در آرامش و امنیت، امر معاششان را تأمین کنند.] (۲)

پس باید پروردگار این خانه را بپرستند؛ (۳)

پروردگاری که آنان را از گرسنگی نجات داد، و از بیمی [که از دشمن داشتند] ایمنی شان بخشید. (۴)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدا با اصحاب فیل چنین کرد برای آنکه قریش خداشناس شوند و با هم انس و الفت گیرند (۱)

الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و برقرار بمانـد و نزاع و خلاف داخلی بکلی از میان برخیزد تا به تجارت یمن و شام که برای کسب معاش میرونـد به اتفاق و دوستی و حفظ منافع هم رونـد نه بر اخلال و زیان یکـدیگر وسایل زنـدگانی و آسایشخود را در مکه سرزمین بی حاصل بهتر تامین کنند (۲)

پس به شکرانه این دوستی باید یگانه خدای کعبه را پرستند (۳)

که بانها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت (۴)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

برای الفت دادن قریش (به این سرزمین، سپاه فیل را نابود کردیم تا مقدمه ای برای ظهور اسلام باشد). (۱)

الفت آنان در سفرهای زمستانی و تابستانی. (۲)

پس (به شکرانه این نعمت) باید پرورگار این خانه را پرستش کنند. (۳)

همان که آنان را از گرسنگی (و قحطی نجات داد و) سیرشان کرد و از ترس (دشمن) امانشان داد. (۴)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

برای [سپاس] الفت و پیوستن قریش [به یکدیگر]، (۱)

الفت و پیوندشان در سفر زمستان و تابستان، (۲)

پس باید خداوند این خانه را پرستش کنند، (۳)

آن که ایشان را از گرسنگی [رهانید و] طعام داد، و از بیم ایمنشان ساخت. (۴)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

برای ائتلاف قریش، (۱)

ائتلافشان در سفر زمستانی و تابستانی . (۲)

پس باید پروردگار این خانه را بپرستند: (۳)

آن که به هنگام گرسنگی طعامشان داد و از بیم در امانشان داشت. (۴)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

برای همبستگی قریش (۱)

همبستگیشان در کوچ زمستانی و تابستانی (۲)

پس باید صاحب این خانه را بپرستند (۳)

همان که ایشان را پس از گرسنگی [آذوقه و] خوراك داد و پس از ترس [و نگرانی]، ایمن داشت (۴)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

برای جان دادن (یا الفت گرفتن) قریش (۱)

الفت ایشان به کوچیدن زمستان و تابستان (۲)

پس باید پرستش کنند پروردگار این خانه را (۳)

که خورانیدشان پس از گرسنگی و ایمنشان ساخت پس از ترس (۴)

ترجمه انگلیسی قرائی

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

۱ [In gratitude] for solidar-ity among the Quraysh,

۲ their solidarity during winter and summer journeys,

۳ let them worship the Lord of this House,

۴ who has fed them [and saved them] from hunger, and secured them from fear.

ترجمه انگلیسی شاکر

۱) For the protection of the Qureaish--

۲) Their protection during their trading caravans in the winter and the summer--

۳) So let them serve the Lord of this House

۴) Who feeds them against hunger and gives them security against fear.

ترجمه انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

(۱) In dealing with the Quraysh,

(۲) for their preparations to travel in winter and in summer;

(۳) let them worship the Lord of this House

.Who feeds them against famine and secures them from fear (۴)

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(For the composing of Koraish, (۱

(their composing for the winter and summer caravan! (۲

(So let them serve the Lord of this House (۳

(who has fed them against hunger. and secured them from fear. (۴

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(For the taming of Qureysh (۱

(For their taming (We cause) the caravans to set forth in winter and summer. (۲

(So let them worship the Lord of this House, (۳

(Who hath fed them against hunger and hath made them safe from fear. (۴

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(For the covenants (of security and safeguard enjoyed) by the Quraish. (۱

(Their covenants (covering)) journeys by winter and summer (۲

(Let them adore the Lord of this House (۳

Who provides them with food against hunger and with security against fear (of (danger). (۴

ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux.

۱. A cause du pacte des Coraïsh,

۲. De leur pacte [concernant] les voyages d'hiver et d'été.

۳. Qu'ils adorent donc le Seigneur de cette Maison (la Kaaba).

۴. qui les a nourris contre la faim et rassurés de la crainte!

ترجمه اسپانیایی

۱. Por el pacto de los coraixíes,

۲. pacto relativo a la caravana de invierno y la de verano,

۳. que sirvan, pues, al Señor de esta Casa i,

۴. que les ha alimentado contra el hambre y dado seguridad frente al temor!

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

۱. Wegen der Vorliebe der Quraisch,

۲. Ihrer Vorliebe für Reisen im Winter und Sommer,

۳. Sollten sie den Herrn dieses Hauses verehren,

۴. Der sie gespeist hat gegen Hunger und sie sicher gemacht vor Furcht.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. Per il patto dei Coreisciti ,

۲. per il loro patto delle carovane invernali ed estive .

۳. Adorino dunque il Signore di questa Casa,

۴. Colui che li ha preservati dalla fame e li ha messi al riparo da [ogni] timore.

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. За союз курайшитов,

۲. союз их в путешествии зимой и летом...

۳. Пусть же они поклоняются Господу этого дома,

۴. который накормил их после голода и обезопасил после страха.

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- Bunu da Kuray n uzla mas, hallerinin düzene girmesi için yapt.

۲- Yaz ve k al veri için gçüp konarak yolculuk ederlerken uzla p düzene girmeleri için.

۳- Artk kulluk edin bu evin Rabbine.

۴- ضyle Rab ki doyurdu da kurtard sizi açlktan ve emîn etti sizi korkudan.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. (Ya Peyğəmbər! Qüreyşlilərə de ki) Qüreyşin ülfəti (dostluğu və ya Allahın onlar üçün səfəri asanlaşdırması) xatirinə,

۲. Onlara qış və yay səfərini müyəssər edilməsi (qışda Yəməndə, yayda Şamda istirahət və ticarət edə bilmələri) xatirinə.

۳. Bu evin Rəbbinə (Kə'bənin sahibi Allaha) ibadət etsinlər!

۴. O Allah ki, onları aclıqdan qurtarıb yemək verdi və onlara qorxudan (fil sahiblərinin təhlükəsindən) sonra əmin-amanlıq bəxş etdi.

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

۱. قریش ک□ مانوس کرن□ ک□ سبب

۲. (یعنی) ان کو جا□□ اور گرمی ک□ سفر س□ مانوس کرن□ ک□ سبب

۳. لوگو□ کو چا□یئ□ ک□ (اس نعمت ک□ شکر می□) اس گ□ر ک□ مالك کی عبادت کری□

۴. جس ن□ ان کو ب□وك می□ ک□انا ک□لایا اور خوف س□ امن بخشا

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. (خدای پاك د هتیانو صاحبانو سره داس□ وک□ل) د د□ لپاره چ□ قریش (د□ م□ک□ سره) مینه پیدا ک□ی.

۲. د هغوی مینه د ژمی او او□ی په سفرونو ک□□

۳. نو □ایی چ□ دوی د د□ کو□□ (کعب□) د رب بند□ی وک□ی

۴. د هماغه کس چ□ په لو□□ ک□□ ی□ دوی ته خوا□ه ورک□ی دی او له خوفه ی□ ورته امن ورک□□ د□.

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Bira ji bona hogirîya Qureyşîyan

۲. Ji bo ku (Yezdan) ewan (Qureyşîyan) hînê barkirina di zivistanê da (li bal Yemenê) û barkirina havînê (ûbal Şamê da kirîye) bikin.

۳. Îdî bira ewan (Qureyşîyan) ji bona Xuda yê vî xanî (ku Kebe ye) perestîye bikin.

۴. Ewî (Xuda yê) ewan (Qu¬reyşîyan) ji birsînê têrkirîne û ewan ji tirsê ewle kirine.

ترجمه اندونزی

.lagi Maha Penyayang

(Tahukah kamu (orang) yang mendustakan agama. (۱

(Itulah orang yang menghardik anak yatim,(۲

(Dan tidak menganjurkan memberi makan orang miskin.(۳

(Maka kecelakaanlah bagi orang-orang yang salat,(۴

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Kerana kebiasaan aman tenteram kaum Quraisy (penduduk Makkah) (۱

Iaitu) kebiasaan aman tenteram perjalanan mereka (menjalankan perniagaan) pada)
(musim sejuk (ke negeri Yaman), dan pada musim panas (ke negeri Syam), (۲

(Maka hendaklah mereka menyembah Tuhan yang menguasai rumah (Kaabah) ini, (۳

Tuhan yang memberi mereka penghidupan: menyelamatkan mereka dari kelaparan,
(dan mengamankan mereka dari ketakutan. (۴

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Kwa ajili ya Makuraishi kuzowea .۱

.Kuzowea safari ya kusi na kaskazi .۲

.Basi wamuabudu Mola wa nyumba hii .۳

.Ambaye amewalisha wakati wa njaa na amewapa amani wakati wa khofu .۴

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

(۱۰۶) سوره قریش مکی است و چهار آیه دارد (۴)

[سوره قریش (۱۰۶): آیات ۱ تا ۴] ترجمه آیات به نام خداوندی که رحمت عامش شامل همه و رحمت خاصش از آن مؤمنین است.

(خدا با اصحاب فیل چنین کرد) برای آنکه قریش با هم انس و الفت گیرند (۱).

الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و بر قرار بماند (۲).

پس (به شکرانه این دوستی) باید یگانه خدای کعبه را بپرستند (۳).

که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد (۴).

و از ترس و خطراتشان ایمن ساخت (۵).

بیان آیات این سوره بر قریش منت می گذارد که خدای تعالی با این دفاعی که از مکه کرد شما را در انظار، مورد احترام قرار داد تا بتوانید با امنیت کامل بدون اینکه راهزنان متعرض شما شوند کوچ تابستانی و زمستانی خود را به منظور تجارت انجام دهید، آن گاه دعوتشان می کند به توحید و عبادت رب بیت، و سوره در مکه نازل شده است.

و مضمون آن نوعی ارتباط با سوره فیل دارد، و لذا بعضی «۱» از اهل سنت گفته اند سوره" فیل" و" ایلاف" یک سوره اند، هم چنان که نظیر این سخن را در باره دو سوره" ضحی" و" ا لم نشرح" گفته اند «۲»، چون بینشان ارتباطی وجود دارد، و این نظریه را به مشهور در بین شیعه نسبت داده اند، و لیکن حق مطلب آن

است که دلیلی که بر آن استناد کرده اند، وحدت را نمی رساند.

برای اینکه دلیل اهل سنت روایتی است که می گوید: قرآنی را که ابی بن کعب نوشته بوده بین این دو سوره و آن دو سوره بسم اللَّه نوشته نبوده «۳». و روایتی است از عمرو بن میمون ازدی که گفته: من نماز مغرب را دنبال عمر بن خطاب خواندم، او در رکعت اول، سوره تین را خواند، و در دوم" أَ لَمْ تَرَ" و" لِإِيلافِ قُرَيْشٍ" را، بدون اینکه بین آن دو با گفتن بسم اللَّه فاصله بیندازد «۴».

و بعضی «۵» از روایت اولی پاسخ داده اند به اینکه معارض است با روایتی که گفته: در قرآن ابی بن کعب بین آن دو بسم اللَّه بوده، و از دومی پاسخ داده اند به اینکه بر فرض که روایت درست باشد احتمال دارد راوی حدیث بسم اللَّه بین آن دو را از عمر بن خطاب نشنیده باشد، و یا عمر آن را آهسته خوانده باشد. علاوه بر این، روایت مذکور معارض است با روایتی از رسول خدا (ص) که فرمود: خدای تعالی قریش را بخاطر هفت خصلت بر دیگران برتری داد، از آن جمله فرمود: و در باره آنان سوره ای نازل شد که در آن سوره سخن از احدی به جز قریش نرفته است، و آن سوره" لایلاف قریش" است، (تا آخر حدیث). از همه اینها گذشته روایاتی که دلالت بر جدایی این دو سوره دارد، و اینکه بین آن دو بسم اللَّه قرار دارد متواتر است.

و اما آنهایی که از شیعه قائل به وحدت این دو سوره شده اند استنادشان به روایتی است که صاحب مجمع آن را

از ابی العباس از یکی از دو امام بزرگوار امام باقر و امام صادق (ع) نقل کرده که فرموده: سوره" أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحابِ الْفِيلِ" و سوره" لِإِيلافِ قُرَيْشٍ" یک سوره اند «۶».

و نیز روایتی است که شیخ در تهذیب به سند خود از علاء از زید شحام روایت کرده

(۱ و ۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۴.

(۳ و ۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۴.

(۵) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۳۳۸.

(۶) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۴.

که گفت: به امام صادق (ع) نماز صبح را اقتدا کردیم، در نمازش در یک رکعت سوره" و الضحی" و سوره" ا لم نشرح" را خواند «۱».

و روایت دیگری است که صاحب مجمع البیان از عیاشی از مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل کرده که گفت: من از آن جناب شنیدم که می فرمود در یک رکعت نماز بین دو سوره جمع مکن، مگر سوره" و الضحی" و" ا لم نشرح" و سوره" ا لم تر کیف" و سوره" لایلاف قریش" «۲». و مثل این روایت را محقق هم در کتاب معتبر از کتاب جامع نوشته احمد بن محمد بن ابی نصر از مفضل نقل کرده «۳».

حال به وضع یک یک این روایات می رسیم: اما روایت ابی العباس، روایتی است ضعیف، چون در آن رفع شده، یعنی راویان وسط حدیث افتاده اند.

و اما روایت زید شحام غیر از سند تهذیب به دو سند دیگر روایت شده، یکی باز در تهذیب است که شیخ به سند خود آن را از ابن مسکان از زید شحام نقل کرده که گفت: با امام صادق (ع)

نماز خوانـدیم، در نمازش سوره" و الضـحی" و" ا لم نشـرح" را خواند «۴». و سـند روایت دوم زید شـحام عبارت است از ابن ابی عمیر از بعضـی از راویـان شـیعه از زیـد شـحام که گفت: به امـامت امـام صـادق نمـاز خوانـدیم، در رکعت اول سـوره" و الضحی"، و در دومی سوره" ا لم نشرح" را خواند «۵».

و این روایت یعنی صـحیحه ابن ابی عمیر صـریح است در اینکه امام دو سوره را در دو رکعت خواندنـد، و با وجود این روایت دیگر ظهوری برای روایت علاء باقی نمی مانـد، یعنی دیگر ظهور ندارد در اینکه هر دو سوره را در یک رکعت خوانده باشد، چون عبارت آن چنین است:" پس الضـحی و ا لم نشـرح را در رکعتی خواند" و این می سازد با اینکه ضحی را در رکعتی و ا لم نشـرح را در رکعتی خوانده باشد. و اما روایت ابن مسـکان که هیچ ظهوری در جمع بین دو سوره در یک رکعت ندارد، نه ظهور دارد و نه صـراحت، (چون در آن آمده بود: پس سوره الضحی و ا لم نشرح را در نماز خواند)، و اما اینکه بعضی «۶» ها روایت ابن ابی عمیر را حمل بر نماز نافله کرده اند، درست نیست، برای اینکه در آن عبارت" صلی بنا" آمده، که معنایش این

---

(۱) تهذیب، ج ۲، ص ۷۲، حدیث ۳۴.

(۲) مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۴۱.

(۳) معتبر، ص ۱۷۸.

(۴ و ۵) تهذیب، ج ۲، ص ۷۲.

(۶) وسائـــــــــل الشـــــــــیعه، ج ۴، ص ۷۴۳ بـــــــه نقـــــــل از شـــــــیخ طوســــــی.

است که با ایشان نماز جماعت خواندیم، و نماز نافله را با جماعت

نمی شود خواند.

و اما روایت مفضل بن صالح که به آن استدلال کرده اند بر وحدت دو سوره، بر تعدد بیشتر دلالت دارد (برای اینکه در آن آمده در یک رکعت بین دو سوره" ضحی" و" ا لم نشرح"، و نیز بین دو سوره" فیل" و" ایلاف" جمع مکن)، و این صریح است در تعدد.

پس حق مطلب آن است که روایات اگر در این باره دلالتی داشته باشد دلالت دارد بر اینکه جائز است دو سوره" ضحی و ا لم نشرح" و دو سوره" فیل و ایلاف" را در یک رکعت نماز واجب خواند، ولی در غیر واجبات نمی توان خواند، و مؤید این دلالت روایت راوندی است که در کتاب الخرائج و الجرائح خود آن را از داوود رقی از امام صادق (ع) نقل کرده، و در آن آمده: همین که فجر طلوع کرد برخاست اذان و اقامه گفت، و مرا در طرف راست خود بپا داشت، و در رکعت اول سوره حمد و سوره ضحی را، و در رکعت دوم حمد و قل هو اللَّه احد را خواند، و سپس قنوت گرفت، و سلام داد آن گاه نشست «۱».

" لِإِيلافِ قُرَيْشٍ إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ" ماده" الف"- به کسره همزه- که مصدر ثلاثی مجرد و باب افعالش" ایلاف" می آید، به معنای اجتماع با همبستگی و الفت است، و به قول راغب اصلا الفت را به همین جهت الفت می گویند «۲».

و در صحاح اللغه آمده: وقتی گفته می شود:" فلان قد آلف هذا الموضع"، معنایش این است که فلانی با این محل انس گرفته، و معنای اینکه گفته شود:" فلان آلف غیره هذا الموضع" این است که

فلانـی آن شـخص دیگر را بـا این محـل مـانوس کرد، و گـاه می شود که همین تعبیر یعنی تعبیر به باب افعال در مورد لازم نیز استعمال می شود، مثلا گفته می شود:

" فلان الف هذا الموضع " و یا " یالف هذا الموضع ایلافا "، یعنی فلانی با این محل انس گرفته و یا انس می گیرد «۳».

و کلمه " قریش " نام عشیره و دودمان رسول خدا (ص) است، که همگی از نسل نضر بن کنانه اند که نامش قریش نیز بوده، و کلمه " رحلت "- همـانطور که در مجمع البیـان «۴» آمـده- به معنـای حـالتی است که یک انسان سوار بر راحله و در حال سـیر دارد،

---

(۱) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۴۴، به نقل از خرائج راوندی.

(۲) مفردات راغب، ماده " الف ".

(۳) صحاح اللغه، ماده " الف ".

(۴) مجمـــــــــــــــــع البیـــــــــــــــــان، ج ۱۰، ص ۵۴۴.

و " راحله " به معنای شتری است که برای راه پیمایی نیرومند باشد.

و منظور از " رحلت قریش " مسـافرت آنان از مکه به بیرون برای تجارت است، و این رحلت از مشـخصات اهل این شـهر بوده، چـون ایـن شـهر در دره ای خشـک و سـوزان و بی آب و علـف واقـع شـده، کـه نـه زرعی در آن هسـت و نه ضـرعی (پسـتان شیرداری) نـاگزیر قریش زنـدگی را از راه تجـارت می گذارنیـد، و در هر سـال دو نـوبت به تجـارت می رفت، یـک نوبت در زمسـتان کـه به طرف یمن می رفت، و نوبـتی دیگر در تابسـتان که به سـوی شـام ره می سـپرد، و بـا این دو نـوبت سـفر کردن زنـدگی خود را اداره می نمود، و مردم یمن و شـام پاس احترام قریش را می داشـتند، زیرا خانه کعبه بیت الحرام در بین ایشان واقع شده

بود، و به همین جهت راهزنان و غارتگران که ممر عیشی به جز دزدی و غارت نداشتند، متعرض ایشان نمی شدند، نه سر راه را برایشان می گرفتند، و نه به شهرشان حمله ور می شدند.

[معنای سوره ایلاف در فرض وحدت با سوره فیل و در صورت استقلال

و در جمله" لایلاف قریش" حرف لام در کلمه" لایلاف" لام تعلیل است، و فاعل در" ایلاف" خدای سبحان، و مفعول ایلاف (آن کسانی که خدا مردم را با ایشان مانوس کرد) قریشند، پس کلمه" قریش" مفعول اول فعل ایلاف است، و مفعول دومش حذف شده، چون جمله بعدی یعنی" إِیلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّیْفِ" می فهمانند که آن مفعول چیست، و جمله" ایلافهم ..." بدل از جمله" ایلاف قریش" است، و فاعل در" ایلافهم" نیز خدای سبحان، و مفعول اولش ضمیر جمعی است که در ظاهر کلام آمده، و به قریش بر می گردد، و مفعول دومش کلمه" رحله ..." است، و تقدیر چنین است،" لایلاف اللَّه قریشا رحله الشتاء و الصیف- خدای سبحان با مرغان ابابیل آن دفاع را از خانه اش کرد، و به شما قریش این عزت و احترام را ارزانی داشت تا شما قریش با رحلت زمستانی و تابستانی مانوس شوید، و امر معاشتان بگذرد" «۱».

" فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَیْتِ" حرف" فاء" در آغاز جمله" فلیعبدوا" در اصطلاح ادبیات برای این آمده که مطلب بویی از شرطیت را داشته، یعنی جا داشته کسی توهم کند که پرستش رب این بیت لا بد شرایطی دارد که با بودن آن شرایط باید رب این بیت را پرستید، و با نبودنش نپرستند. برای رفع ______________

(۱) و گر نه اگر این کرامت از

خـانه کعبه به ظهور نمی رسـید، دزدان و غارتگران فرقی بین شـما و سایر مردم نمی گذاشـتند، و کاروانتان را می دزدیدنـد، و حـــــــتی در خـــــــود مکــــــــه نیز از هجـــــــوم و غارتشـــــــان ایمــــــن نمی بودیـــــــد." مــــــــترجم".

این توهم می فرمایـد" اگر در گذشـته چنین کردیم و چنان شـد و شـما چنان بودیـد و چنین شدیـد، کاری به گذشـته نداریم، گذشـته هر چه بوده بایـد امروز رب آن بیت را بپرستید، که شـما را با ایام دو رحلت مانوس کرد، و در این وظیفه هیچ شـرطی در کار نیست". و یا بویی از تفصیل را داشته، یعنی جا داشته توضیح دهد در چه حالی رب این بیت را بپرستند، و در چه حالی نپرسـتند، و این دو حال را از یکدیگر جدا کند، چون جای چنین توهمی بوده، فرموده: نه، تفصـیلی در بین نیست، در هر حالی که پیش بیاید باید رب این بیت را بپرستید، پس حرف فاء در این آیه نظیر حرف" فاء" در آیه" وَ لِرَبِّکَ فَاصْبِرْ" «۱» است.

و حاصل معنای آیات سه گانه این است که قریش باید رب این بیت را بپرسـتد، بخاطر اینکه رب این بیت ایشان را با دو رحله تابستانی و زمستانی مانوس کرد، تا هم گردونه تجارت و زندگیشان بگردد، و هم در وطن ایمن باشند.

آنچه تا کنون گفته شد بر این فرض بود که سوره مورد بحث جدای از سوره فیل، و سـیاقش مستقل از سیاق آن باشد، و اما بر فرضـی که این سوره جزو سوره فیل و متمم آن باشـد، در این فرض گفته انـد حرف" لام" در کلمه" لایلاف" تعلیلی و متعلق به مقدری است که مقام بر

آن دلالت می کند، و معنایش این است که: اگر ما این رفتار را با اصحاب فیل کردیم، نعمتی بود از ما به قریش، اضافه بر نعمتهایی که بر آنان انعام کرده بودیم، و دو رحلت زمستانی و تابستانی به آنان داده بودیم، پس گویا فرموده: نعمتی به سوی نعمت دیگر به ایشان دادیم، و لذا بعضی «۲» گفته اند: لام مذکور در آخر به معنای "الی- به سوی" منجر می شود، و این گفته" فراء" است.

و بعضی «۳» دیگر گفته اند: معنایش این است که: ما این بلا را به سر اصحاب فیل آوردیم تا قریش با شهر مکه مانوس شود و بتواند در آن شهر بماند، و یا این کار را کردیم تا قریش را که از ترس ابرهه از شهر گریخته بودند، دو باره به شهرشان علاقمند کنیم، لذا لشکر ابرهه را هلاک کردیم، و این باعث شد که قریش بیش از پیش به مکه و کعبه علاقمند شوند، و نیز محمد (ص) در آنجا متولد شود و سپس به عنوان رسولی بشیر و نذیر مبعوث گردد، لیکن اشکال در این چند معنا در استفاده آنها از سیاق است، و اینکه این معانی از کجای سیاق بر می آید.

---

(۱) و به خاطر پروردگارت شکیبایی کن. سوره مدثر، آیه ۷.

(۲ و ۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۵.

" الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ" این آیه اشاره است به منت واضحی که در ایلاف دو رحلت وجود دارد، و نعمت ظاهری که نمی توانند آن را انکار کنند، و آن تامین معاش قریش و امنیت آنان است که در سر زمینی زندگی می کردند که

نه نانشان تامین بوده و نه جانشان، و نه سر زمین خرمی بود که دیگران بدانجا آیند، و نه جان دیگران در آنجا تامین می شد پس باید ربی را بپرستند که این چنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر نمود، و او همان رب بیت است. بحث روایتی [(روایتی در باره مفاد سوره ایلاف)]

در تفسیر قمی در ذیل آیه" لِإِيلافِ قُرَيْشٍ" آمده که: این سوره در باره قریش نازل شده، چون قریش معاششان از دو رحلت تابستانی و زمستانی به یمن و شام تامین می شد، از مکه پوست و محصولات دریایی و کالاهایی که در ساحل دریا پیاده می شده از قبیل فلفل و امثال آن را بار می کردند و به شام می بردند، و در شام جامه و آرد خالص و حبوبات (غلط مشهور است، و صحیح آن حبوب است که در روایت آمده)، خریداری می کردند، و همین مسافرت باعث می شد وحدت و الفتی در بینشان بر قرار گردد، هر وقت به یکی از این دو سفر دست می زدند یکی از بزرگان قریش را رئیس خود می کردند، و زندگیشان از این راه تامین می شد.

بعد از آنکه خدای تعالی رسول گرامیش را مبعوث فرمود: مردم قریش بی نیاز از سفر شدند، چون از اطراف حجاز مردم رو به آن جناب نهاده، هم آن حضرت را زیارت می کردند، و هم خانه خدا را، و لذا در این سوره فرمود:" فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ" پس رب این خانه را بپرستند، که ایشان را از گرسنگی نجات داد، و دیگر احتیاج ندارند به شام بروند،" وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ" یعنی راهزنان بپاس حرمت کعبه کاری به کار

آنان ندارند «۱».

مؤلف: اینکه فرمود:" بعد از آنکه خدای تعالی رسول گرامیش را مبعوث فرمود" انطباقش با سیاق آیات سوره روشن نیست، چون گفتیم سیاق همه از داستان ابرهه و قبل از ولادت آن حضرت سخن دارد، و چه بسا این قسمت جزو کلام امام نبوده، و مرحوم قمی آن را از بعضی روایات ابن عباس استفاده کرده باشد.

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۴.

تفسیر نمونه

سوره قریش

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۴ آیه دارد

محتوی و فضیلت تلاوت سوره قریش

این سوره در حقیقت مکمل سوره ((فیل)) محسوب می شود و آیات آن دلیل روشنی بر این مطلب است .

محتوای این سوره بیان نعمت خداوند بر قریش و الطاف و محبتهای او نسبت به آنهاست ، تا حس شکرگزاری آنها تحریک شود و به عبادت پروردگار این بیت عظیم که تمام شرف و افتخارشان از آن است قیام کنند.

همانگونه که در آغاز سوره و الضحی گفتیم آن سوره و سوره ا لم نشرح در حقیقت یک سوره محسوب می شود، همچنین سوره فیل و سوره قریش چرا که اگر درست در محتوای آن دو دقت کنیم پیوند مطالب آنها بقدری است که می تواند دلیل بر وحدت آن دو بوده باشد.

به همین دلیل برای خواندن یک سوره کامل در هر رکعت از نماز اگر کسی سوره های فوق را انتخاب کند باید هر دو را با هم بخواند. برای توضیح بیشتر در این زمینه به کتب فقهی (کتاب صلاه بحث قرائت) مراجعه شود. <۱>

در فضیلت تلاوت این سوره همین بس که در حدیثی (از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و

سلّم) نقل شـده که فرمود: من قراءها اعطی من الاجر عشر حسـنات ، بعـدد من طاف بالکعبه ، و اعتکف بها: کسـی که آن را بخواند به تعداد هر یک از کسانی که

در گرد خانه کعبه طواف کرده ، یا در آنجا معتکف شده ، ده حسنه به او می دهد. <۲>

مسلما چنین فضیلتی از آن کسانی است که در پیشگاه خداوندی که پروردگار کعبه است سر تعظیم فرود آورده ، او را عبادت کنند، و احترام این خانه را پاسداری کرده و پیامش را با گوش جان بشنوند و به کار بندند.

تفسیر :

پروردگار این خانه را باید عبادت کرد

از آنجا که در سوره گذشـته (سوره فیل) شـرح نابودی اصـحاب الفیل و و لشکریان ابرهه که به قصد نابود کردن خانه کعبه و متلاشـی ساختن این کانون مقـدس الهی آمـده بودنـد آمد، در اولین آیه این سوره که در واقع تکمله ای است برای سوره فیل می فرمایـد: ما لشـکر فیل را نابود کردیم ، و آنها را همچون کاه درهم کوبیـده شده متلاشـی ساختیم تا قریش به این سـرزمین مقدس الفت گیرند و مقدمات ظهور پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فراهم گردد (لایلاف قریش). <۳>

((ایلاف)) مصـدر است و به معنی الفت بخشـیدن ، و ((الفت)) به معنی اجتماع تواءم با انسـجام و انس و التیام است ، و اینکه بعضـی ایلاـف را به مؤ الفت و عهـد و پیمـان تفسـیر کرده انـد، نه تناسبی با این واژه دارد که مصـدر باب افعال است ، و نه به محتوای آیات این سوره

.

به هر حال منظور ایجاد الفت میان قریش و سرزمین مقدس مکه ، و خانه کعبه است ، زیرا آنها و تمام اهل مکه به خاطر مرکزیت و امنیت این سرزمین در آنجا سکنی گزیده بودند، بسیاری از مردم حجاز هر سال به آنجا می آمدند، مراسم حج را بجا می آوردند، و مبادلات اقتصادی و ادبی داشتند، و از

برکات مختلف این سرزمین استفاده می نمودند.

همه اینها در سایه امنیت ویژه آن بود، اگر با لشکرکشی ابرهه و امثال او این امنیت خدشهدار می شد یا خانه کعبه ویران می گشت دیگر کسی با این سرزمین الفتی پیدا نمی کرد.

واژه ((قریش)) به طوری که بسیاری از مفسران و ارباب لغت گفته اند در اصل به معنی نوعی از حیوانات بزرگ دریائی است که هر حیوانی را به آسانی می خورد! این عبارت از ابن عباس معروف است که وقتی از او سؤ ال کردند: چرا قریش را قریش می نامند؟ در پاسخ چنین گفت :

لدابه تکون فی البحر من اعظم دوابه یقال لها القریش ، لا تمر بشی ء من الغث و السمین الا اکلته !: این به خاطر آن است که در اصل نام حیوانی از بزرگترین حیوانات دریا است که به هیچ حیوان لاغر و چاقی نمی گذرد مگر اینکه آن را می بلعد!

سپس از اشعار عرب برای سخن خود شاهد می آورد.

بنابراین انتخاب این نام برای قبیله فوق به خاطر قدرت و قوت این قبیله ، و سوء استفاده هایشان از این قدرت بوده است .

ولی بعضی آن را از ماده قرش (بر وزن فرش) به معنی اکتساب دانسته اند

چرا که این قبیله غالبا به تجارت و کسب مشغول بودند.

بعضـی نیز این ماده را به معنی بازرسی و تفتیش می دانند، و از آنجا که قریش از حال حجاج خبر می گرفتند، و گاه به کمک آنها می شتافتند، این واژه برای آنها انتخاب شده .

((قرش)) در لغت به معنی اجتماع نیز آمـده است ، و چون این قبیله از اجتماع و انسـجام خاصـی برخوردار بودنـد این نام برای آنها انتخاب شده .

ولی به هر حال نام قریش امروز هرگز مفهوم جالبی را تـداعی نمی کند، و با اینکه آنها قبیله پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) بودند، از سر سختترین دشمنان اسلام محسوب می شدند، که از هیچ کارشکنی و عداوت و دشمنی فروگذار نکردند، حتی آن روز که قـدرت آنهـا با پیروزی اسـلام درهم شـکست به توطئه های پنهانی ادامه دادنـد، و بعـد از رحلت پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) نیز حوادث دردناکی آفریدنـد که تاریـخ اسـلام هرگز آن را فراموش نخواهد کرد، میدانیم بنی امیه و بنی عباس که بارزترین نمونه های حکومت جبار و طاغوتی بودند از قریش برخاستند.

قرائن نیز نشان می دهد که در جاهلیت عرب نیز سـعی و تلاش در استثمار و استعمار مردم داشتند، و به همین دلیل هنگامی که اسـلام آزادیبخش طلوع کرد و منـافع نامشـروع آنهـا به خطر افتـاد با تمام قـدرت به مبارزه برخاسـتند، اما قـدرت عظیم اسـلام سرانجام آنها را درهم کوبید.

در آیه بعد می افزاید: هدف این بود که خداوند قریش را در سفرهای زمستانه و تابستانه الفت بخشد (ایلافهم رحله الشتاء

و الصیف) <۴> و <۵>

ممکن است منظور الفت بخشیدن قریش به این سرزمین مقدس باشد که آنها در طول سفر تابستانه و زمستانه خود عشق و علاقه به این کانون مقدس را از دل نبرند، و به خاطر امنیتش به سوی آن بازگردند، نکند تحت تاثیر مزایای زندگی سرزمین یمن و شام واقع شوند و مکه را خالی کنند.

و یا اینکه منظور ایجاد الفت میان قریش و سایر مردم در طول این دو سفر بزرگ است ، چرا که بعد از داستان ابرهه مردم با دیده دیگری به آنها مینگریستند، و برای کاروان قریش احترام و اهمیت و امنیت قائل بودند. قریش هم نیاز به این امنیت در طول راه داشت ، و هم نیاز به آن در سرزمین مکه ، و خداوند در سایه شکست لشکر ابرهه هر دو امنیت را به آنها بخشید.

می دانیم زمین مکه باغ و زراعتی نداشت ، دامداری آن نیز محدود بود، بیشترین درآمد از طریق همین کاروانهای تجاری تاءمین می شد، در فصل زمستان به سوی جنوب یعنی سرزمین یمن که هوای آن نسبه گرم بود روی می آوردند، و در فصل تابستان به سوی شمال و سرزمین شام که هوای ملایم و مطلوبی داشت ، و اتفاقا هم سرزمین یمن و هم سرزمین شام از کانونهای مهم تجارت در آن روز بودند، و مکه و مدینه حلقه اتصالی در میان آن دو محسوب می شد.

البته قریش با کارهای خلافی که انجام میدادند مستحق این همه لطف و محبت الهی نبودند، اما چون مقدر بود از میان قبیله ، و از آن سرزمین مقدس ، اسلام

و پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) طلوع کند، خداوند این لطف را در حق آنها انجام داد.

در آیه بعد چنین نتیجه می گیرد که قریش با این همه نعمت الهی که به برکت

کعبه پیدا کرده اند باید پروردگار این خانه را عبادت کنند نه بتها را (فلیعبدوا رب هذا البیت).

همان خداوندی که آنها را از گرسنگی نجات داد و اطعام کرد، و از نااءمنی رهائی بخشید و امنیت داد (الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف). <۶>

از یکسو به آنها رونق تجارت عطا فرمود، و جلب منفعت نمود، و از سوی دیگر نااءمنی را از آنها دور کرد و دفع ضرر فرمود، و اینها همه با شکست لشگر ((ابرهه)) فراهم گشت ، و در حقیقت استجابت دعای ابراهیم بنیانگذار کعبه بود، ولی آنها قدر این همه نعمت را ندانستند، و این خانه مقدس را به بتخانهای تبدیل کردند، و عبادت بتان را بر پرستش خدای خانه مقدم داشتند، و سرانجام ثمره شوم این همه ناسپاسی را دیدند.

خداوندا! ما را توفیق عبادت و بندگی و سپاسگزاری نعمتها، و پاسداری این بیت عظیم ، مرحمت فرما.

پروردگارا! این مرکز بزرگ اسلامی را روز به روز پر شکوه تر، و حلقه اتصال مسلمین جهان قرار ده .

بار الها! دست همه دشمنان خونخوار و آنها که از این مرکز بزرگ سوء استفاده می کنند از آن قطع کن !

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر یکصد و ششمین بوستان پرطراوت کتاب پرشکوه خدا هستیم. بجاست که پیش از هر چیز به شناسنامه اش نگاهی بیفکنیم.

- نام این سوره این سوره دو نام دارد:

۱ - واژه «ایلاف» به معنی «الفت دادن»، نام نخست این سوره است.

۲ - و نام دیگرش «قریش» می باشد، و هر دو نام آن از آیه نخست اقتباس شده است.

این سوره در حقیقت تکمیل کننـده سوره پیش است و روشـنگری می کنـد که درهم نوردیـده شدن سـپاه «ابرهه» به خاطر این بود که قریش و ساکنان حرم خدا در امن و امان باشند، و از آنان نیز انتظار این است که خدای یکتا را بپرستند.

۲ - فرودگاه آن این سوره در سال سوم بعثت در مکه و کنار خانه خـدا به جان نورانی محمد(ص) فرود آمده است. برخی این سوره را به خاطر ارتباط و پیوستگی مفاهیم اش با سوره فیل، یک سوره به حساب آورده اند.

۳ - شـمار آیه هـای آن به بـاور بیشتر دانشـمندان و قرآن پژوهـان این سوره دارای چهـار آیه است، امّـا برخی همین واژه هـا و حروف را پنج آیه شمرده اند، چرا که این گروه آیه چهارم را دو آیه حساب کرده اند.

این سوره از ۱۷ واژه و ۲۳ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت این سوره از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأها اعطی من الاجر عشر حسنات، بعدد من طاف بالكعبه، و اعتكف بها.(۳۰۹)

کسـی که این سوره را تلاوت کنـد، به شـمار هر یک از کسانی که برگرد خانه خـدا طواف نموده، و یا در آنجا برای عبادت معتکف شده است، ده پاداش به او ارزانی می گردد.

از امام صادق آورده اند که فرمود:

لاتجمع بین سورتین فی رکعه واحده الّا الضحی و

دو سوره را در یک رکعت نماز نمی توان خواند، مگر سوره «ضحی» و «شرح» و سوره «فیل» و «قریش» را.

۵ - دورنمایی از محتوای سوره در این سوره این نکات اندیشاننده آمده است:

نعمت های گران خدا بر ساکنان حرم،

نعمت الفت بخشیدن میان دل ها،

نعمت امنیت و آرامش،

نعمت رفاه و آسایش

رابطه امنیت و آزادی با شکوفایی اقتصادی،

سپاس نعمت های گران خدا در زندگی،

راز پایندگی نعمت ها،

پرستش خدای یگانه و رعایت مقررات او،

توجه عمیق به حقوق اساسی و طبیعی انسان، از آن جمله حق آزادی و امنیت.

رعایت حقوق بشر یا شرط پیشرفت و راز ترقی جامعه ها،

۱ - برای اُلفت دادن قریش به این سرزمین مقدّس، خدا پیلداران را نابود ساخت ؛

۲ - اُلفت دادن آنان در سفر زمستانی و تابستانی.

۳ - پس باید پروردگار این خانه گرامی را بپرستند؛

۴ - همان کسی که آنان را از [گرسنگی و سختی رهانید و] خوراک داد؛

۵ - و آنان را از هراسی [بزرگ امنیت بخشید.

نگرشی بر واژه ها

ایلاف: این واژه مصدر، به معنی مهر والفت بخشیدن با تدبیر نیکو و طراوت ویژه آمده است. این واژه در برابر «ایحاش» می

باشد که به معنی ایجاد وحشت است.

رحله: به معنی سیر و سفر به وسیله شتر و یا مرکب دیگر آمده است. واژه «رحل» از همین ریشه است که به معنی سفر آمده و «ارتحال» به معنی برداشتن و حرکت دادن بار سفر و کالا آمده است.

تفسیر

نعمت گران رفاه وامنیت در سوره پیش خدای

فرزانه از نعمت بزرگ خود به ساکنان مکّه و درهم نوردیدن سپاه «ابرهه» سخن گفت، اینک می فرماید:

لِإِيلافِ قُرَيْشٍ

برای الفت دادن قریش به این سرزمین مقدس، خدا پیلداران را درهم کوبید.

از دیدگاه پاره ای از مفسران «لام» در بردارنده معنی «الی» می باشد و منظور این است که: خدا افزون بر نعمت خود بر قریش در سفرهای زمستانی و تابستانی، نعمت و احسان دیگری بر آنان نمود و پیلداران و تجاوزکاران را برای الفت دادن قریش به این سرزمین نابود ساخت.

به باور پاره ای دیگر منظور این است که: ما سپاه تجاوزکار «ابرهه» را درهم کوبیدیم تا قریش پس از فرار از مکّه به هنگام یورش پیل سواران، دگر باره بتواند به این سرزمین مقدس بازگردد و با آن الفت گیرد و محمّد(ص)برای مژده رسانی و هشدار دادن به انسان ها در آن سرزمین ولادت یابد و برانگیخته شود.

آن گاه می افزاید:

إِيلافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتاءِ وَ الصَّيْفِ

برای الفت بخشیدن به آنان در سفرهای زمستانی و تابستانی...

واژه «ایلاف» در این آیه، «بدل» از «ایلاف» در آیه نخست است و ضمیر «هم» مفعول اوّل و «رحله الشتاء» مفعول دوّم، و مفهوم آیه شریفه این است که: «قریش» در قلمرو حرم امن خدا، از دیرباز از تهاجم و یورش پیل سواران و سیاست های ظالمانه آنان، به تدبیر خدا در امنیت بود، و خدای فرزانه یورش پیل سواران را در هم نوردید تا آن قوم، هم چنان در آن سرزمین، و در سفرهای زمستانی و تابستانی خود، در امنیت باشد؛ چراکه آن سرزمین بیابانی شوره زار و فاقد قابلیت زراعت بود و آن جامعه از راه داد و ستد و تجارت

زندگی را اداره می کرد. مردم آن سر زمین در طول سال ، دو سفر تجارتی داشتند که در یکی از آن ها به سوی «یمن» - که گرمسیر بود - بار سفر می بستند، و در سفر دیگر به شام - که سردسیر بود - می رفتند، و اگر این دو سفر تجارتی به خطر می افتاد، در آن شرایط برای قریش امکان زندگی در آن سرزمین نبود؛ و می دانیم که امکان چنین سفرهای تجارتی، پیش از هر چیز در گرو سایه گستربودن نعمت آرامش و امنیت همه جانبه و پایدار است. این نعمت گران برای ساکنان حرم تا پیش از هجوم پیل سواران بود، امّا با یورش آنان به خطر افتاد و خدا بر مردم آن سرزمین منت نهاد و با درهم کوبیدن سپاه تجاوزکار «ابرهه» این نعمت را برای آنان پاس داشت و دگر باره ارزانی فرمود.

پاره ای بر آنند که هر دو سفر زمستانی و تابستانی قریش، به شام بود؛ که سفر زمستانی را از راه دریا - که هوا معتدل بود - می رفت و سفر تابستانی را برای بهره وری از آب و هوای مناسب از راه مناسب دیگری می رفت.

واژه «قریش» نام قبیله و جامعه ای است که در مکّه می زیست. آنان نسل و تبار «نضر بن کنانه» بودند. در مورد نامگذاری آنان به این عنوان دیدگاه ها یکسان نیست:

۱ - پاره ای این واژه را از ماده «قرش» به معنی کسب وکار و یا جایگاه آن گرفته اند، و بر این باورند که: این قوم را بدان دلیل که در رشته تجارت و داد و ستد در تلاش بودند، و از این راه روزگار می گذراندند - و

نه از راه زراعت و یا دامداری و صنعت - قریش نامیده اند. هنگامی که گفته می شود «هو یقرش لعیاله»، منظور این است که: او برای خانواده اش تلاش می کند و با کسب و کار، زندگی آنان را تأمین می نماید.

۲ - امّا «ابن عباس» در این مورد نظر دیگری دارد. از او پرسیدند، چرا «قریش» را با این عنوان خوانده اند؟ او گفت: واژه «قریش» در اصل به معنی غول پیکرترین حیوان دریایی است که بر هر حیوان چاق و لاغر و بزرگ و کوچکی گذرش افتاد، همه را می بلعد و فرو می برد. با این بیان این نام برای قریش به خاطر توانمندی و اقتدار آنان است.

آن گاه به او گفتند: آیا در این مورد شاهد و گواهی از ادبیات و شعر عرب نمی خوانی؟

او این شعر را شاهد آورد که:

و قریش هی التی تسکن البحر

بها سمیت قریش قریشا...

قریش آن حیوانی است که در دریاست، و به این دلیل آن را قریش خوانده اند که بر هر چه بگذرد، از چاق گرفته تا لاغر، همه را می خورد و پر و بالی بر جای نمی گذارد.

به هر حال «قریش» جامعه ای صحرانشین بود و بدان دلیل که در کنار حرم خدا و در جوار خانه کعبه رحل اقامت افکنده بود، به آن قبیله نیرومند، ساکنان حرم خدا، و اداره کنندگان بیت اللّه می گفتند و در میان جامعه بزرگ عرب اعتباری ویژه داشت. اقتصاد آن، اقتصاد ساده تجارت و داد و ستد بود، و از این راه زندگی را تأمین می کرد.

«کلبی» می گوید: نخستین کسی که در فشار فقر و گرسنگی آن سرزمین با آوردن خواربار از شام، تجارت را

به آنـان آموخت، «هـاشم» فرزنـد «عبـد مناف»، نیای گرانقـدر پیامبر بود. این دیـدگاه را این شاعر نیز گواهی می کنـد که می گوید:

تحمل هاشم ما ضاق عنه واعیا ان یقوم به ابن بیض...

«هاشم» فرزنـد «عبـد مناف» آنچه را مردم به خاطر کمبود آن در تنگنا و فشار بودنـد، و «ابن بیض» از فراهم آوردن و انجام آن ناتوان بود به عهده گرفت، و از سرزمین شام بارهایی گران و ظرف هایی آکنده از گندم خالص و پاک برای قریش و ساکنان حرم آورد. او به زنـدگی فقیرانه مردم توسـعه بخشـید و با گشایشـی که پدیـدآورد، خوردن نان و آبگوشت و گوشت و گندم کوبیده را برایشان فراهم آورد.

«سـعید بن جبیر» آورده است که: پیامبر به همراه «ابوبکر» از کنار گروهی از تحریف گران و بدخواهان گذر کردند که شـعری با این مضمون می خواندند:

هـان ای کسـی که در انـدیشه بزرگی و بخشـندگی هستی! آیـا از کنار خانـدان «عبدالـدار» نگـذشتی و خواسـته ات را به آنان نگفتی؟

اگر به سوی آنان می رفتی و میهمان آنان می شدی، تو را از هر تلاش و فشاری می رهانیدند و باز می داشتند.

پیامبر فرمود: آیا شاعر این گونه سروده است یا سروده او را تحریف کرده اند؟

ابوبکر پاسخ داد: نه به خدایی که تو را به حق فرمان بعثت داد شعر شاعر نه آن گونه، بلکه این گونه سروده شده است:

یاذ الذی طلب السماحه و الندی هلا مررت بآل عبدمناف...

هان ای کسـی که در اندیشه بزرگی و کرامت هستی، آیا بر خاندان «عبد مناف» گذر نکردی؟ اگر بر آنان گذرکنی و میهمان آنان گردی تو را از هر فقر و تنگنا

رها می سازند.

آنان آن روز که در این سرزمین، ثروتمند و بزرگمنشی نبود دارای ثروت و امکانات بودند؛ و آن روز که کسی دیگری را به میهمانی نمی خواند، آنان مردم را به میهمانی می خواندند.

خاندان بزرگی که ثروتمند و تهیدست آن به گونه ای به هم آمیخته و در حق یکدیگر مهربانند که فقیر و بینوایشان بسان توانگراست. و آن گاه که مردم مکّه بر اثر کمبود و قحطی در گرسنگی و ناتوانی به سر می بردند، آنان به وعده ها و دعوت های خویش از مردم، وفادار و صادق بودند و از همه دستگیری می کردند.

نیای این خاندان بزرگ، «هاشم» دو سفر تجارتی و پرسود را برای نخستین بار به «شام» و «یمن» رفت و آن ها را به جامعه و مردم خود آموخت که برای داد و ستد و تلاش و کوشش و تفریح و میهمانی و برای توسعه و گشایش زندگی زمستان و تابستان بار سفر بندند.

راز پایندگی نعمت ها

پس از بیان نعمت های گران خدا به آنان، اینک در اشاره به راز پایندگی و فزونی نعمت ها، در سومین آیه مورد بحث می فرماید:

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَيْتِ

پس ساکنان این سرزمین، باید پروردگار این خانه پرشکوه و پرمعنویت را بپرستند.

بدین سان خدای فرزانه به آنان فرمان می دهد که تنها خدای یکتا را، که پروردگار این خانه است، بپرستند و مقررات عادلانه و بشردوستانه و عزت بخش و امنیت آفرین او را پاس دارند، تا هم بر نعمت های آنان بیفزاید و هم نعمت و امنیت آن ها را پاینده سازد.

آن گاه می افزاید:

الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ همان پروردگاری را بپرستند و به بارگاه او اخلاص ورزند، که با

سبب سازی خود و فراهم آوردن زمینه ها و مقدمات سفرهای تجارتی زمستانی و تابستانی، به آنان رزق و روزی بخشید و در گرسنگی غذایشان داد.

وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

و از بیم دشمن، آنان را امنیت بخشید و آسوده خاطر ساخت.

آری، خدا به گونه ای دل ها را آکنده از عظمت و شکوه حرم ساخت و از این رهگذر به ساکنان مکّه امنیت بخشید که در هر سفر و هر کجا می گفتند: ما از ساکنان حرم و اهل مکّه هستیم، از تعرض و تهاجم در امان می ماندند و کسی به خود اجازه نمی داد تا در قلمرو حرم و یا بیرون از آن بر آنان یورش برد.

به باور پاره ای در آخرین آیه منظور این است که: همان پروردگاری را خالصانه بپرستید که شما را پس از گرسنگی و فقر غذا داد و رفاه بخشید، و پس از بیم و ترس از دشمن، امنیت را به شما ارزانی داشت.

در فرهنگ عرب هنگامی که گفته می شود: «کسوتک من بعد عری» منظور این است که: تو را پس از برهنگی پوشانیدم.

به باور «ابن عباس» مردم آن سرزمین در روزگاران جاهلیت در گرسنگی و تنگنا بودند و این جناب «عبد مناف» شخصیت هوشمند و مبتکر و پرتلاش دنیای عرب بود که به ابتکار خویش سفرهای تجارتی به سوی «یمن» و شام را آغاز کرد، و به تدریج به آن مردم آموخت و پس از مدتی کار آنان بالا گرفت و «قریش» صاحب ثروت و قدرت و عزت و امکانات شد.

پرتوی از سوره مبارکه در این سوره با این که از چهار آیه شکل گرفته و

واژه ها و حروف آن نیز به ظاهر انـدک است، قرآن، افزون بر بیان هـدف خدا از درهم کوبیدن سپاه تجاوزکار «ابرهه»، به دو اصل بسیار مهم و حیاتی توجه می دهد:

۱ – توسعه اقتصادی الف – جامعه گرسنه و توسعه نیافته و فقرزده و بیکار و فاقد امکانات، نه در خور افتخار است و نه زندگی و رسالت، و وظیفه مـدیریت جـامعه توسـعه و شـکوفایی اقتصادی و تقسـیم عادلانه ثروت و امکانات ملّی و ایجاد فرصت های برابر برای رشـد و پیشـرفت همه شـهروندان است، و نه گروهی خاص و عزیزان بی دلیل. این بلای بزرگی است که کشورهای در بند نظام های اسـتبدادی که قدرت ملّی با بهانه های گوناگون از دست صاحبان اصلی آن خارج و در انحصار گروهی قرار گرفته و دست به دست می گردد – دامان اکثریت مردم را گرفته است و در جهان کنونی راه اصلاح و نجاتی نیز جز با اصلاح ساختار سیاسـی آن جامعه ها و پذیرش شیوه مدیریت به سبک دموکراسی و مردمسالاریِ مورد توافق همه، یا اکثریت مردم در افق نمایان نیست. تنها در این شرایط است که سرمایه های عظیم مغزی و فکری و فرهنگی نمی گریزند و می مانند و با آرامش و امنیت خاطر و دلگرمی و امیـد، ابتکار و اختراع و خلاقیت و توانمنـدی های خود را به جامعه و مردم خود هـدیه می کننـد و سرمـایه هـای سـرگردان و گریزان مادی نیز جرأت سـرمایه گـذاری می یابنـد و رونق اقتصادی و آزادی و عـدالت و نظارت و محاسبه پذیری و قانون مداری چهره جامعه را دگرگون می سازد.

توسعه سیاسی از سوی دیگر این آیات روشنگری می کند که جامعه فاقد توسعه سیاسی و امنیت

ملّی، نیز جای زندگی نیست و به سوی عقب گرد و انحطاط و سقوط خواهد رفت. باید برای ساختن دنیای خوب و جامعه پیشرفته و فراهم آوردن امکانات رشد و اوج، امنیت را برای همه توسعه داد و سیاست و مدیریت را به راستی اخلاقی و انسانی و در نظارت و محاسبه مردم و روشنفکران و آگاهان و نویسندگان آنان قرار داد. باید حقوق انسانی و امنیت را برای همه خواست، نه بسان نظام های ستمکار و استبداد زده و بسته، تنها به امنیت حاکمان و زورمداران و یک حزب و یک گروه و یک اقلیت اندیشید؛ آری، هنگامی که برای گروهی آزادی و امنیت بی حساب و کتاب و قدرت بی چون و چرا و موقعیت محاسبه ناپذیر و غیر قابل نقد در جامعه ای مقرر شد، مفهوم واقعی این کار این است که دیگر برای شهروندان و روشنفکران و اصلاح گران و توده های مردم امنیت و آزادی و حقوقی تضمین نمی گردد، مگر اینکه به میل حکومت و حاکمان بیندیشند و بنویسند و عمل کنند و دنباله رو آنان باشند؛ روشن است که چنین دنیایی رو به خمودی و خاموشی و انحطاط خواهد رفت، و نه شور و شوق زندگی و رشد و ابتکار و شکوفایی و سعادت.

بر این اساس است که خدا در این آیات به دو نعمت تأمین اقتصادی و امنیت ملّی برای همه، سخت بها می دهد و آن دو را از مهم ترین شاخصه ها و ویژگی های جامعه پیشرفته و خداجو می نگرد.

۳ - راز پایداری و فزونی نعمت ها

و سرانجام به راز پایداری و فزونی نعمت ها توجه می دهد که عبارت است از پرستش خالصانه و آگاهانه خدا و

در سایه آن رعایت مقررات و حقوق انسان ها؛ و این سپاس واقعی نعمت های خدا و دین باوری و دینداری است، و نه تاریک اندیشی و واپسگرایی و مشتی شعر و شعار افراطی و پوچ و گزنده و تخریبی و استفاده ابزاری از دین خدا برای دنیاداری و سوداگری و پایمال ساختن حقوق مردم و کار بی دینی کشیدن از دین.

تفسیر اطیب البیان

سوره قریش غرض سوره :امتنان بر قریش و دعوت ایشان به توحید.

(۱) (لایلاف قریش):(برای اینکه قریش با هم الفت بگیرند)

(۲) (ایلافهم رحله الشتاء و الصیف):(الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و برقرار بماند)

(۳) (فلیعبدوا رب هذا البیت):(پس باید خدای یگانه کعبه را بپرستند)

(۴) (الذی اطعمهم من جوع و امنهم من خوف):(همانکه آنها را در هنگام گرسنگی طعام داد و آنان را از ترس و خطر ایمن ساخت)مضمون این سوره با سوره فیل در ارتباط است و لذا بعضی از اهل سنت این دو سوره را یک سوره دانسته اند.به هر جهت می فرماید: این که خدای متعال از کعبه دفاع کرد و اصحاب فیل را نابودساخت ، برای این بود که شما قبیله قریش (که عشیره پیامبر ص و اولاد نضربن کنانه بوده اند)، با یکدیگر اجتماع و همبستگی و الفت بیابید و با رحلت زمستانی و تابستانی امر معاشتان بگذرد و منظور از (رحلت)مسافرت تجاری است و اهل مکه چون نه زراعتی داشتند ونه اهل دامداری بودند، به قصد تجارت ، تابستانها به بلاد شام و زمستانهابه یمن می رفتند و به این وسیله گذران زندگی می نمودند و مردم هم به جهت احترام بیت الله الحرام به

آنها احترام می گذاشتند و متعرض ایشان نمی شدند.آنگاه در مقام نتیجه گیری می فرماید: پس به شکرانه این همبستگی و امنیت تجاری که خدا به شما ارزانی داشته و نیز به شکرانه نابود کردن اصحاب فیل ، شما باید پروردگاریگانه خانه کعبه را بدون هیچ قید و شرطی بپرستید.همان پروردگاری که معاش و امنیت قریش را تأمین نمود، به گونه ای که بدون هیچ ترس و مانعی توانستند به مسافرت و تجارت بپردازند.پس بایدآنهاچنین پروردگاری را که به بهترین وجهی امورشان را تدبیر نمود،بپرستند.

تفسیر نور

برخی مفسران، این سوره را ادامه سوره قبل دانسته و به روایاتی استناد می کنند که جدا کردن آن دو را در نماز جایز نمی دانند. نظیر دو سوره ضحی و انشراح. اگر ابرهه پیروز می شد معاش قریش از هم می پاشید و به خاطر حفظ معاش قریش، خداوند اصحاب فیل را نابود کرد.

«رحله» پیمودن راه بر روی راحله و مرکب است. قریش سالی دو بار سفر تجاری داشتند، یکی در زمستان به منطقه یمن و یکی در تابستان به منطقه شام.

در برابر رسم جاهلیّت که خونریزی و جنگ را ارزش می دانست، تکرار کلمه ایلاف و الفت، بیانگر لطف و رحمت الهی به قریش است.

سفرهای تجاری موجب رونق صادرات و واردات می شود و بهبود زندگی و تبادل فرهنگ را به دنبال دارد.

پس از انهدام اصحاب فیل، مردم برای اهل حرم، حریم خاص قائل بودند.

۱- شکست دشمنان عامل همبستگی شماست. <<فجعلهم کعصف مأکول>>

۲- وحدت و الفت میان اقشار جامعه، از نعمت های الهی است. <<لایلاف قریش>>

۳- تا مسائل اقتصادی و امنیّتی جامعه حل نشود، نمی توان آنان را به عبادت دعوت کرد. <<فلیعبدوا... الّذی اطعمهم... و

آمنهم>>

۴- یکی از فلسفه های عبادت، شکر مُنعم است. <<فلیعبدوا ربّ هذا البیت>>

۵ - خداوند امور مکّه و کعبه را تدبیر می کند. <<ربّ هذا البیت>>

۶- تأمین معیشت و امنیّت جامعه، باید در مسیر بندگی و عبادت خدا باشد. <<فلیعبدوا... الّذی اطعمهم... و آمنهم>>

۷- گرسنگی و نیاز به غذا، ویژگی بشر است و تأمین این نیاز، نشانه لطف و رحمت خداوند است. <<اطعمهم من جوع>>

۸ - برقراری امنیّت و برطرف کردن عوامل ترس، کار خدایی است. <<آمنهم من خوف>>

۹- سفر برای کسب درآمد، مورد پذیرش اسلام است. <<رحله الشتاء و الصیف>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

The Quraysh, among whom the Holy Prophet was born, was a tribe held in great esteem, as the guardians of the Ka-bah, by the Arabs. They were the descendants of prophet Ibrahim through his son Ismail. The custody of the sacred shrine of the Ka-bah enabled them to obtain covenants of security from the rulers of neighbouring countries on all sides on account of which they travelled to Syria in summer, and to Yemen in winter, to carry out their trade. Their trade caravans enriched them, united them, and drew people from distant parts to visit Makka, to bring and take from there .merchandise of various kinds

This honour and advantage they owed to their position as servants of the sacred house. They owed it to Allah. It was therefore right and fitting that they should worship Allah alone and accept as true the religion of Allah, Islam, brought by the Holy .Prophet

:Aqa Mahdi Puya says

As stated in the commentary of Inshirah although the surahs

al Fil and al Quraysh are separated by bismillahir rahmanir rahim, they are one, the latter is supplementary to the former.

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹